

نویدی شیرازی

(۹۲۰ - ۹۸۸ هـ)

احمد گلچین معانی

علی بن عبدالمؤمن ملقب به زین العابدین و مدعو به عبدی بیگ و متخلص به نویدی و عبدی و یک تخلص دیگر که بر بنده مجهولست ، متولد ۹۲۰ در شیراز و متوفی ۹۸۸ در اردبیل ، شاعری پرکار و مستوفی نامدار و مورخی عالی مقدار بوده ، که بسبب دور و درازی نام و لقب و خطاب و نسب و نسبت و داشتن سه تخلص در شعر ، تذکره نویسان و مورخان بعد از روزگار خود را گنجه کرده و نتیجه داغ باطله خورده و از یاد ها فراموش گشته است .

نخستین تذکره نویسی که از وی نام برده سام، میرزای صفوی است و آخرین تذکره نویس ، فاضل معاصر ما آقای محمد حسین رکن زاده آدهمیت .

تقی الدین کاشی که تذکره نویسی معاصر ویست ترجمه او را چنین بقلم آورده :

« نویدی شیرازی - خواجه عبدی بیگ ، اصل وی از شیرازست ، و از اکابر آنجاست ، لیکن در تبریز وارد بیل میبود ، اسم اصلی وی علی است و لقبش زین العابدین سالهای دراز مستوفی و اوارجه نویسی دفترخانه بود ، و در زمان شاه غفران پناه ابوالقاسم شاه ظهیرها سب روح الله روحه آن منصب بوی تعلق داشت و در امانت و دیانت و راست قلمی که لازم است ارباب قلم را نظیر و عدیل نداشت ، و در مدت منصب در افاضت احسان و اذاعت انعام و استیقای مطامع نفوس ، و تحصیل مرضی خواطر بوجهی توجه مینمود که زبان اهل روزگار بشکر آن الطاف و نیک نفسی شکر بار بود ، و رقاب ارباب قلم بطوق نعم او گرانبار ، و با وجود این حالات در وادی شعر و فضیلت از دیگران ممتاز و مستثناست ، و بصفای طبیعت وجودت قریحت و تزکیه نفس و تصفیه خاطر مثل و مانند ندارد ، و از اکثر سالکین مسالك سخنوری در پیشست ، و از مثنوی گویان و معاصران زمان خود پیش ، مصداق این دعاوی و بینه این معانی آنکه شاهزاده سادات انما ابوالنصر سام میرزا در تذکره خود بیان فرموده : « تا مفرده

نویس قضا و قدر جمع و خرج افراد بشر را حسب المفصل تنقیح داده ، همچو او جوانی محبوب و هنرمند بگوشوار ظهور و میزان مرور دهور نیاورده ، در شعر مخصوصاً مثنوی بدطولی دارد و خیال انگیزی او در مثنوی بسیار نازک و پرچاشنی واقعست

والحق در آن طرز و روانی این کلام در تعریف او اعراق نیست ، چنانچه در تتبع شیخ نظامی دوخمسه ترتیب داده ، و معانی دلخواه در آن کتابها بر منصفه عرض نهاده ، از آن جمله این بیت وی شاهدست :

دو خمسه کرد طبعم در سخن ساز
که از یک پنجه بیرون ناید آواز
و چند کتاب دیگر دارد ، و یکی از آنها موسومست به جام جمشیدی ، گویند سه دیوان دارد ، دیوان اول موسومست به غره غرا و در آنجا نویدی تخلص کرده ، و در دیوان دوم بتخلص عبیدی اشعار رامذیل ساخته ، و تخلص ثالث تا غایت معلوم نکشت ، و این اشعار که درین اوراق مثبت گشته انتخاب دیوان اول است . و انتخاب باقی اشعار وی از مساعدت روزگار مأمولست ، اما وفاتش در دارالارشاد اردبیل واقع شده فی شهر سنه ثمان و ثمانین و تسعمائه (۹۸۸) .

ای فارغ از اندیشه شادی و غم ما
پیش تو مساویست وجود و عدم ما

در پیش تو گویند ز هر باب سخنها
الا سخن من که کند تلخ دهنها

ای کرده ز رخسار خجل روی پری را
آگاه کن ای آه نسیم سحری را

دامنکشان روان شد ، آن شوخ سر و قامت
من ماندم و سرشکی ، تا دامن قیامت

آراسته از روی تو عالم چو بهارست
آورد صبا از تو نسیمی بگلستان

عمر رفت و کار من در عاشقی مشکل همان
عمر هاشد بر درت خون میخورم از دست دل
می همان مستی همان ساقی همان محفل همان
شد وجودم خاک و خاکم رفت بر باد فنا
بر سر گوی تو دارم پای دل در گل همان
ای نویدی در طلب از یافتادم من ولی
در گذر آن بیوفا چون عمر مستمجل همان

چون مرا آخر بجور از خود جدا میساختی
پس چرا اول بلطفم آشنا میساختی

ای دل غمدیده من کاش در قید جنون با الم خومیکرفتنی ، با جفا میساختنی
 دراصل نهم ازخاتمه خلاصه الاشعار قریب سیمصد بیت که تقی کاشی از دیوان
 اول او انتخاب کرده ، مسطورست ، و بدینقدر اکتفا رفت .

تقی الدین اوحدی مؤلف عرفات العاشقین یکجارتجمه او را بنام خواجه
 عبدی بیگ مفرده نویس آورده است و یکجانبام نویدی شیرازی و امین احمدزازی
 مؤلف هفت اقلیم در اقلیم سوم ازو بنام عبدی بیگ یاد کرده و بعضی از تذکره نویسان
 مانند مؤلف روز روشن (ص ۷۲۵) نویدی شیرازی شاعر قرن یازدهم مذکور در تذکره
 نصرآبادی (ص ۲۸۶-۲۸۷) را با نویدی شیرازی مورد بحث ما که در قرن دهم میزیسته
 یکی دانسته اند و اشعار هر دو را در ذیل یک نام آورده اند ، مؤلف تذکره عرفات نیز مطلع
 ذیل را که از هجری فرغانی است بنام نویدی شیرازی ثبت کرده :

میروی ، میرو از پی دل بی حاصل من آنچنان رومه من کز تو نماند دل من
 سام میرزا ایبات ذیل را از مثنوی جام جمشیدی وی نقل کرده است :

دعانش را صفت چون حد من نیست	چکویم چون در آن جای سخن نیست
بسان آب حیوان ناپدیدار	نگشته خضر هم از وی خبردار
بود مویی بر اندامش کمر نام	چکویم مو کجا بودش بر اندام
پسا افکنده گیسوی سمن سای	بلی تاریک باشد شمع را پای

قاسمی گنابادی متوفی ۹۸۲ که خود از مثنوی سرایان نامدارست ، در مثنوی
 عمده الاشعار یا عاشق و معشوق که بسال ۹۶۵ هجری در صفت کعبه و هدینه و
 بعضی احوال دیگر سروده و شامل چهار هزار بیت است در باره عبدی بیگ و ترمیف دوخمس
 وی چنین گفته است :

نسیم فصل نوروزی کجایی	جزاك الله که هستی محرم خاص
جوان بختی ، جوانی ، هوشمندی	بسوی آن فضیلت انتسابی
بدانایی وحید العصر والد هر	جوان بختی ، جوانی ، هوشمندی
نویدی از خطاب مستطابش	کلامش را که نازل ز اسمانت
سخنهایش که زبید آفرین را	دعای مستجابی بود کز فرش
سوادش کرده بر کرسی خرامی	بود نظمش دعای مستجابی
ندیم روز فیروزی کجایی	گذاری کن ز روی صدق و اخلاص
که دانش خواهد از وی فتح بابی	چو طبع خویشان همت بلندی
به «عبدی» و «نویدی» شهره شهر	دل از لبیک عبدی کامیابش
اگر الهام خوانم جای آنست	گسرفته آسمان را و زمین را
بیالارفت چون وحی آمد از عرش	گسرفته ز آیه الکرسی نظامی
ز گنج عرش او را فتح بابی	

گل نظمش بدست از گلشن راز
 بمعجز خامه سحر آفرینش
 جواب خمسه استاد نامی
 همین در بس که طبعش در سخن سفت
 داز آن کردم دونوبت خمسه را ساز
 کتابش در عدد ده چون ده انگشت
 ده آمد عقل کز وی فتح بابست
 ز هفت آبا موالید سه گانه
 ازین ده هفت کشور بیت معمور
 کتاب او خطاب از آسمان داشت
 بکف کش خامه معجز نمایست
 سخن را پایه برهفت آسمان برد
 ز مژگان خامه در کف مهر انور
 سواد شعر وی از شعر بس بیش
 اگر بر لوح فرهاد هنرمند
 چکد آب حیات از سنگ خارا
 کشد گر شکل مهر عالم افروز
 سوادش گر خضر دیدی کماهی
 بگوش او رسان از من دعایی
 بکنج محنتم با صد تأسف
 منم دور از تو همچون تشنه بی آب
 بکن رحمی بجان ناتوانم

شب و روز تو یارب باد فیروز
 شبت چون روز و روزت همچو نوروز

بود سحری که دارد بوی اعجاز
 بسد بیضا بسود در آستینش
 دو نوبت یافت از کلکش تمامی
 چنین بیتمی بوصف خویشتم گفت :
 که از یک پنجه بیرون ناید آواز
 که دارد اینچنین ده گنج در مشت
 غلط گفتم که آن این ده کتابست
 اگر زاد از پی شغل زمانه
 خرابی شد ز اقلیم جهان دور
 خطاب مستطاب از بیت آن داشت
 کلیمی دان که در دستش عصایست
 بچوگان قلم گوی از میان برد
 دواتی زرفشان از دیده تر :
 نویسد بر بیاض دیده خویش
 کشد نقش لب شیرین دلبند
 دهد فرهاد را جان بسی مدارا
 نباشد تا قیامت حاجت روز
 نجستی آب حیوان از سیاهی
 که جز وصلت ندارم مدعایی
 چو یعقوب از فراق روی یوسف
 چو شمع از آتش دل گشته بیتاب
 ز نظم خویش کن تمویذ جانم

آقای آدمیت در کتاب دانشمندان و سخنسرایان فارس (ج ۴ ص ۳۴۶-
 ۷۵۰) پس از نقل ترجمه حال نویدی شیرازی از تحفه سامی و سفینه خوشگو
 نوشته اند که : در فروردین ماه ۱۳۴۰ از جانب آقای رحیم اف ابوالفضل عضو استیتوی
 خاورشناسی آکادمی علوم آذربایجان شوروی مقیم باکو نامه یی بمن رسید که در آن اشاره

- ۱- منقول است از نسخه شماره (۸۳۸۳) کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ اواسط
 صفر سال ۹۸۰ هجری و این نسخه مجموعه مثنویات قاسمی گنابادی است.
- ۲- آنچه که خوشگو درباره نویدی بقلم آورده از تذکره هفت اقلیم گرفته است.

بکتاب دانشمندان و سخنسرایان فارس کرده و نوشته بود دمن نیز که در حال حاضر دربارهٔ حیات و فعالیت ادبی شاعر شیرازی زین العابدین علی عبیدی بیگ (نویدی) مشغول تحقیق هستم، با چند پرسش میخوام اندکی از وقت گرانبهای شمارا بگیرم و الخ...
 آنگاه افزوده اند که: «از نوشته‌های آقای رحیم‌اف معلوم میشود که مردی دانشمند و محقق است و ده مثنوی مخطوط از نویدی در اختیار دارد و باین مناسبت مدت دو سال است که راجع بحیات و آثار ادبی وی وارد تحقیق شده و خلاصهٔ تدقیقات ایشان بشرح ذیل است:

۱- بطوریکه از آثار خطی خود شاعر نتیجه گرفته شده، نامبرده بطور قطع در ۹۲۰ ه. ق، بدنیا آمده است.

۲- در حال حاضر ده مثنوی شاعر در اختیار نگارنده هست که آنها را به پنج بحر قسمت کرده و در هر بحر دواثر داخل نموده است:

در بحر اول: مظهر الاسرار - جوهر فرد.

در بحر دوم: جام جمشیدی - دفتر درد.

در بحر سوم: مجنون و لیلی - خزائن الملکوت.

در بحر چهارم: هفت اختر - انوار تجلی.

در بحر پنجم: آیین اسکندری - فردوس العارفين.

... عبیدی بیگ مدت مدیدی در تبریز و قزوین بسر برده و در (۹۶۱) نیز

سفری به گرجستان کرده است، طبق آنچه خود شاعر مینویسد، وی «انوار تجلی» را نیز در همین سفر برشتهٔ نظم کشیده است.

۳- از اشخاصی که در بارهٔ نویدی اطلاعات ذقیمتی میدهد تقی‌الدین کاشی است که متأسفانه اینجانب اثر وی را بدست نیاورده‌ام.

۴- ذکر تاریخ وفات شاعر در (۹۸۸ ه. صبحیست، چه در نسخهٔ خطی اثر او که در اختیار نگارنده است، تاریخهای رونویسی یکایک آثارش موجود است و آخرین تاریخ (۹۸۶) است.

۵- در حال حاضر نگارنده مشغول تدارک چاپ داستان مجنون و لیلی شاعر است، و پس از چاپ نسخه‌یی از آنرا بحضورتان تقدیم خواهم کرد.

آقای آدمیت بدنبال نامهٔ آقای رحیم‌اف شرحی افزوده‌اند که از آنجاست:

«صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه در جلد هفتم صفحهٔ ۲۶۳ کتاب خود ذیل

جملهٔ «خمسهٔ مفرده نویسی» آورده است: مولی عبیدی بیگ نویدی شیرازی که از نویسندگان دربار شاه طهماسب بوده، و در سال ۹۸۸ فوت شده و خمسه دارد که یکی مشتمل است بر: روضة الصفا، روضة الازهار، جنة الانمار، زینة الاوراق و صحیفة الاخلاص، و خمسهٔ دیگر او مشتمل است بر: جام جمشیدی، هفت اختر، بهرام‌نامه، لیلی و مجنون و آیین سکندری.

چنانکه معلومست برخی ازین مثنویات با آنها که در تصرف آقای رحیم‌اف می‌باشد اختلاف اسمی دارد، بنابراین بعید نیست که نویدی سه‌خمسه داشته‌است، و صاحبان مآخذ «الذریعه» از پنج مثنوی : جوهر فرد - دفتر درد - خزائن الملکوت - انوار تجلی و فردوس المعارفین که نسخ آنها در دست آقای رحیم‌اف است اطلاع نداشته‌اند،
«انتهی کلامه»

خوشبختانه نسخه کاملی از مثنویات نویدی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بشماره (۲۴۲۵) وجود دارد که در مجلد نهم فهرست آن کتابخانه (ص ۱۰۷۷-۱۰۷۸) اجزاء آن بشرح ذیل ذکر شده‌است :

۱- دیوان ۱- از نویدی شیرازی و رویهم ۲۷۶۰۰ بیت است، دو خمسه است و يك خزانه، در آغاز بندیست در گزارش شعرهای دشوار خسرو دهلوی و جامی و حافظ و شاهی و دهکی و کمال و ظهیر فاریابی و سلمان و کاتب نیشابوری. ۱

فهرست مطالبها : خمسۀ یکم :

- ۱- مظهر الاسرار در ۲۵۳۰ بیت (۱-۵۸)
- ۲- جام جمشیدی در ۳۶۰۰ بیت (۱۲۹-۵۹)
- ۳- هفت اختر یا بهرامنامه ۳۵۰۰ بیت (۱۳۱-۲۰۲)
- ۴- مجنون و لیلی در ۳۰۰۰ بیت.
- ۵- آیینۀ اسکندری در ۲۸۵۰ بیت (۲۵۹-۳۱۳)

هفت خزانه موسوم به خزائن ملکوت :

- خزانه یکم یا صحیفه الاریب (۳۱۴-۳۳۶)
- خزانه دوم یا لوح مسطور (۳۳۷-۳۶۶)
- خزانه سوم یا بحر مسجور (۳۶۷-۴۰۴)
- خزانه چهارم یا منشور شاهی (۴۰۵-۴۳۲)
- خزانه پنجم یا مروج الاسواق (۴۳۳-۴۶۴)
- خزانه ششم یا مهیج الاشواق (۴۶۵-۶۸۸)
- خزانه هفتم یا نهایت الاعجاز (۴۸۹-۴۹۸)

خمسۀ دوم

- ۱- روضة الصفات ببحر مخزن الاسرار نظامی (۵۰۱-۵۱۶) در وصف باخ سعادت.

۱- این قسمت از آثار نویدی نیست و جزوی الحاقیست از رسالۀ «حل ما ینحل» تألیف عبداللطیف شروانی مشتهر به افلاطون که سال ۹۶۷ هجری تألیف کرده است.

آباد و عمارت دارالسلطنة جعفرآباد قزوین.

۲- دوحه الازهار ببحر خسرو شیرین (۵۱۷-۵۴۳)

۳- جنة الائمارة ببحر لیلی و مجنون (۵۴۵-۵۵۹)

۴- زینة الاوراق ببحر هفت پیکر (۵۶۱-۵۸۵) سرگذشت ایلدرم بایزید و اندیشه

غدر و خیانت پادشاه ایران و کشته شدن او ، درد و بخش.

۵- صحیفة الاخلاص ببحر اسکندرنامه (۵۸۷-۶۰۰)

آغاز :

حرز امانت زد یو رجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مظهر اسرار جمال و کمال

مطلع دیباچه جاه و جلال

انجام :

نگهدار یا ارحم الراحمین،

محبان اورا بدولت قرین

تکملة الاخبار

مهمترین اثر نویدی شیرازی تاریخ نفسی است موسوم به تکملة الاخبار که بنام پریخان خانم دختر شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است و تذکره نویسان از ذکر آن غافل مانده اند.

نسخه‌ی ازین تاریخ در کتابخانه ملی ملک بشماره (۳۸۹۰) و نسخه دیگر در کتابخانه مجلس شورای ملی دیده‌ام و اکنون شماره نسخه مجلس را بیاد ندارم ، و تنها یادداشتی که از نسخه مجلس در دست دارم در ذکر حادثه مرگ سام میرزای صفوی از وقایع سال ۹۷۵ هجری و بشرح ذیل است:

«... وهم در آن ایام در قلعه قهقهه در منزلی که سام میرزا و اولادش میبودند ، بحسب اتفاق پسران القاس: سلطان احمد و سلطان فرخ جمع گشته صحبتی میداشتند، زلزله عظیمی روی نمود و آن منزل بر سر ایشان فرود آمد ، و مجموع هلاک شدند و این بنده این قطعه برای ضبط تاریخ بنظم آورد :

بتاریخ جهان زد قهقهه کبک خسراننده

که نبود دایما جام بقا اندر کف ساقی

چو گفتم چیست حال سام و تاریخش چه میگوی

بگفتا در جوابم : «دولت طهماسب شه باقی» ۱

۹۷۵